



کوروش بزرگ (کوروش شناسی)

پاسخ به گزاف گویی‌ها پیرامون تخت جمشید و پاسارگاد

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۱۴ آذر ۱۳۹۵ | ۱۲ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

سخنانِ نسنجیده و پاسخ‌هایِ نسنجیده نویسنده: جناب آقای یاغش کاظمی استاد دانشگاه منبع: وبلاگ آقای یاغش کاظمی
مروری بر ادعا‌هایِ نادرست پیرامون تخت جمشید و پاسارگاد نگارنده ی "از این اوستا" را باز عزم بر این شد تا کلام و سخنی
نسنجیده را به پیمانۀ نقد، وزن کشد: سخنی با عنوان «تاریخ سازی جریان انحرافی از موضوعی انحرافی به نام تخت جمشید»
که توسط آقای "فضل الله موحد" در پایگاه تحلیلی تبیینی "برهان" منتشر شده است. البته با مطالعه گفته‌های آقای موحد
مشخص میشود که او در واقع در حال بازگویی سناریو‌ها

سخنان نسنجیده و پاسخ های سنجیده



نویسنده : جناب آقای یاغش کاظمی استاد دانشگاه

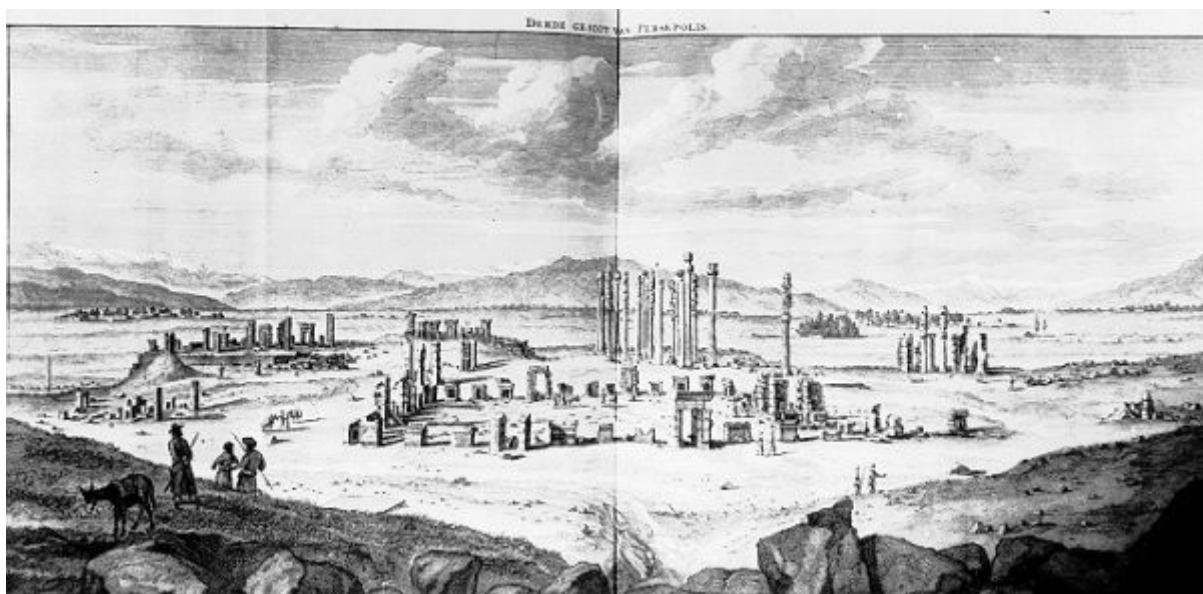
منبع: وبلاگ آقای یاغش کاظمی

مروری بر ادعا های نادرست پیرامون تخت جمشید و پاسارگاد

نگارنده ی "از این اوستا" را باز عزم بر این شد تا کلام و سخنی نسنجیده را به پیمانه ی نقد، وزن کشد: سخنی با عنوان «تاریخ سازی جریان انحرافی از موضوعی انحرافی به نام تخت جمشید» که توسط آقای "فضل الله موحد" در پایگاه تحلیلی تبیینی "برهان" منتشر شده است.

البته با مطالعه گفته های آقای موحد مشخص میشود که او در واقع در حال بازگویی سناریو های ساخته شده توسط ناصر پورپیرار است.

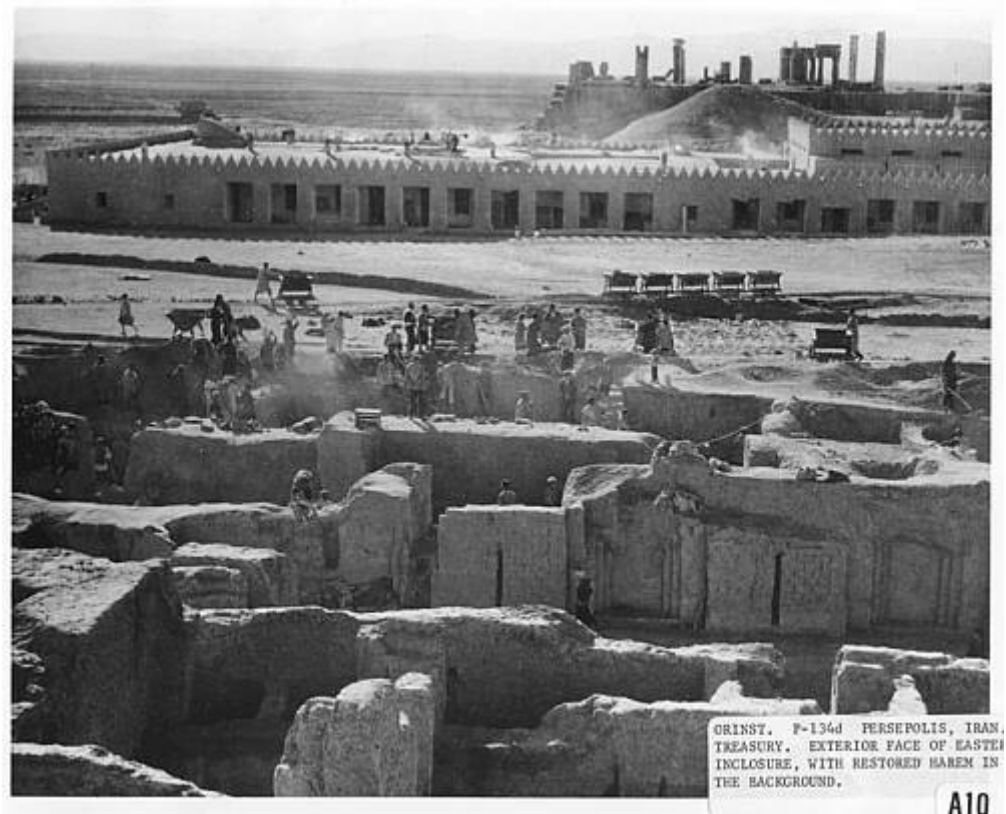
آقای "موحد" به زعم خود تلاش نموده «با استدلال های کافی» نشان دهد «که چگونه متخصصان تاریخی ارسال شده از طرف دانشگاه های غرب (دانشگاه شیکاگو) با جعل و دروغ درباره ی تاریخ پیش از اسلام ایران و دست کاری و فریب در ابیهی تخت جمشید و ساختن داستان های خیالی درباره ی آن زمینه های فریب قسمتی از جامعه را فراهم آورده اند تا با استفاده از آن زمینه های تفرقه افکنی بین مردم مسلمان ایران و سایر مسلمین منطقه را فراهم کنند.»؟!



یکی از کهن ترین و دقیق ترین گراورهایی که از محوطه ی "تخت جمشید" بین ۸ نوامبر ۱۷۰۴ و ۲۳ ژانویه ی ۱۷۰۵ میلادی بدست "کورنلیس دو بروین"، نقاش و سیاح هلندی، کشیده شده است و وضعیت بنا را بسیار پیشتر از اقدامات مرمتی "مؤسسه ی شرقی دانشگاه شیکاگو" نشان میدهد.

مأخذ: <http://odur.let.rug.nl/~drijvers/research/persepol.htm>

تأکید نخست ایشان بر وجود یک زیگوراتِ عیلامی در محل "تخت جمشید" است که از قصد به دست متخصصین (مؤسسه ی شرقی) دانشگاه شیکاگو تخریب شده است؟! آقای "موحد" برای اثبات ادعای خود به سراغ عکسی رفته که همین دانشگاه در وب سایت رسمی خود با زیرنویس روشن منتشر ساخته است؛ زیرنویسی که توضیح دیوارهای خشتی "خزانه"ی تخت جمشید و "حرمسرای" مرمت شده در پس زمینه است.



تصویر ۱: دیوارهای خشتی "خزانه"ی تخت جمشید ... (سال ۱۹۳۵ میلادی)

مأخذ: مؤسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو

آقای "موحد" ولی در توضیح این تصویر فرموده اند:

«چنان‌که به وضوح مشخص است در حفاری‌های دانشگاه شیکاگو یک بنای عظیم خشت و گلی نمایان شده است که نشان می‌دهد این محوطه یک بنای عیلامی است که پیش از آغاز به کار ساخت قسمت‌های سنگی، قرن‌ها فعال بوده و در زیگورات آن فعالیت‌های مذهبی انجام می‌شده است.»

نگارنده در پاسخ از ایشان می‌خواهد که قدم رنجه فرمایند و به "تخت جمشید" بروند تا از نزدیک ببینند که این دیوارهای خشتی، کوتاه شده اند (و نه محو) و هدف از اینکار همانطور که در اجرای کاهگل رویه ی دیوارها دیده می‌شود، حفظ پلان کلی اثر بوده است. توضیح اینکه: دیوارهای خشتی مزبور را از دل خاک بیرون کشیده اند (سال ۱۹۳۵ م. گروه کاوش به سرپرستی "اریک ف. اشمیت")، بعد دیده اند که هزینه ی مرمتی و راهکار لازم برای حفظ آنها را ندارند، پس یا باید به حال خود رهایشان میکردند، یا دوباره دفن میکردند، و یا این شیوه ی ضربتی و قاطع اجرا شده را در پیش میگرفتند! و البته این شیوه ی مرمتی (در دهه ی ۱۹۳۰ میلادی) امروزه مورد تأیید نمی‌باشد. حالا "زیگورات" در کجای این دیوارهای پیرامونی ست؟!



تصاویر ۲ و ۳ : وضعیت

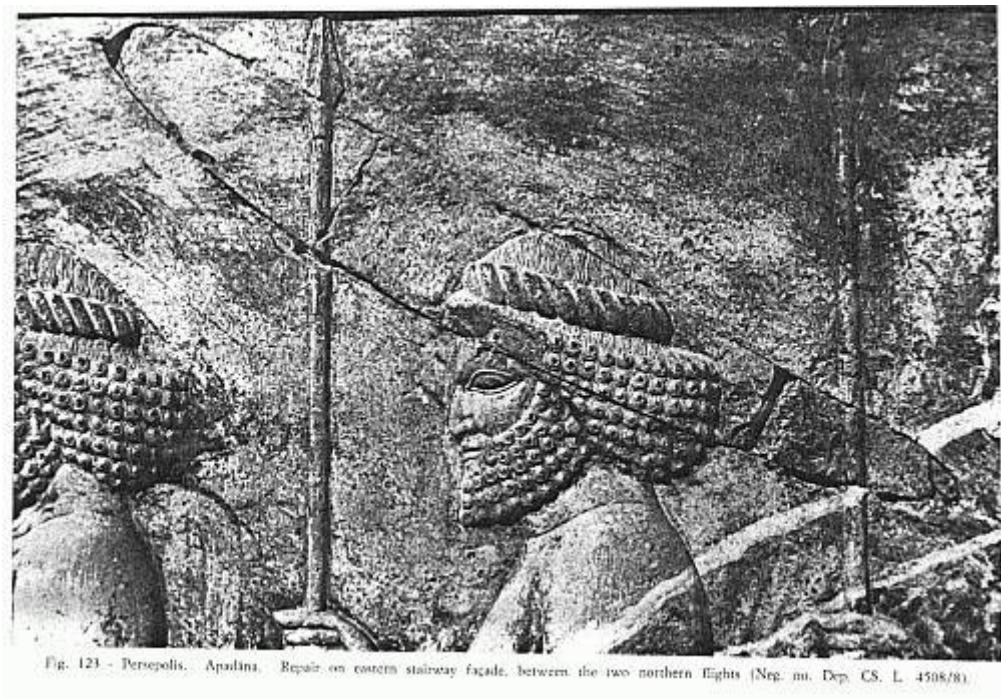
فعلی دیوارهای "خزانه"ی تخت جمشید، پس از کوتاه سازی (مرمت اشتباه) دیوارهای خشتی و پوشاندن رویه ی دیوارها با اندود کاهگل

مأخذ عکس: Irania Vista Ara

آقای "موحد" سپس یکسری عکس و البته گزارش "سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران" را آورده اند که

دلالت بر تراش کامل نخوردن برخی از نقوش و کامل نبودن سایت پلان اثر دارد، و با تأکید بر تصویر سربازی که تراش ریش اش کامل نشده چنین نتیجه گرفته اند که «آیا این بنا با نواقصی این چینی به مدت ۲۰۰ سال محل برگزاری جشن‌ها بوده است؟»

نگارنده در پاسخ میگوید که ایشان از «لا اله الا الله» فقط «لا اله» را گفته اند؟! تصویری - به مثال مشیت نمونه ی خروار- از مرمت‌های دقیق هخامنشیان در نمای پلکان شرقی "آپادنا" طی زمان بهره برداری اثر ارائه میشود، که نشان میدهد چگونه بخش فرسوده و نقش تحلیل رفته ی سنگی را از جای خود خارج کرده و اثر را با جاگذاری هنرمندانه ی قطعه سنگ نو مرمت کرده اند.



تصویر ۴ : نمونه ی مرمت‌های دقیق هخامنشیان در نمای پلکان شرقی "آپادنا" طی زمان بهره برداری از اثر ، که نشان میدهد چگونه بخش فرسوده و نقش تحلیل رفته ی سنگی را از جای خود خارج کرده و اثر را با جاگذاری هنرمندانه ی قطعه سنگ نو مرمت کرده اند.

مأخذ عکس: گزارشهای "جوزیه تیلیا"

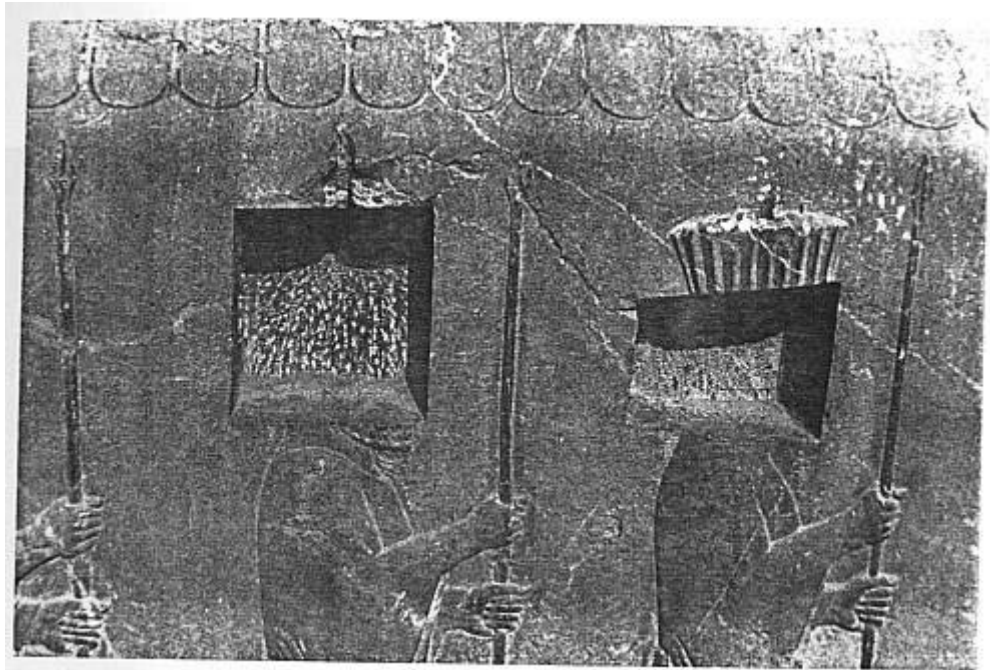


Fig. 127 - Persepolis. Apadāna. Eastern stairway. Northern flight. Doweling (Neg. no. Dep. CS. L. 4508/19a).

تصویر ۱-۴ : برشهای دقیق مرمتگران عهد هخامنشی در بخشهای فرسوده ی نمای پلکان شرقی "آپادنا" در زمان بهره برداری از اثر ، که نشان میدهد چگونه بخش فرسوده و نقش تحلیل رفته ی سنگی را از جای خود خارج میکردند تا اثر را با جاگذاری هنرمندانه ی قطعه سنگ نو مرمت کنند.

مأخذ عکس: گزارشهای "جوزپه تیلیا"

آقای "موحد" با قرار دادن دو تصویر زیر و توضیحات ذیلشان :

«شال ستون سالم! و احتمالاً نوساز با ستون تراش نخورده و یک پایه ی ستون با آسیب های زمانه ترکیبی جعلی و مضحک را نشان می دهند.» «دانشگاه شیکاگو در تفسیرات صد ستون، اشاره ای به این اسفنجس نکرده و مجموعه ی مضحک و سرهم بندی شده ی زیر را در جای آن قرار داده اند. این کوبیسم! عجیب الخلقه به جای گاو مزبور کاشته شده است تا هویت بابلی آن مخفی شود و جاعلان بتوانند برای کوروش و داریوش که هرگز در تخت جمشید نبوده اند، قصه های هزار و یک شب بسازند.»؟!



بی اطلاعی خود از قوانین و اصول مرمتی پذیرفته شده ی جهانی را گواهی کرده اند. نگارنده پاسخگویی به این "ناآگاهی" را با دعوت ایشان به عذرخواهی رسمی از متخصصینی که بدانها تاخته است همراه میکند.

کار مرمتی انجام شده در این راستا، نه توسط یهودیان "دانشگاه شیکاگو"؟! در دهه ی ۱۹۳۰ میلادی، بلکه توسط مرمتگران "مؤسسه ی ایتالیایی خاور میانه و خاور دور" (ایزمئو) در دهه ی ۱۹۶۰ میلادی به انجام رسید؛ مجموعه اقدامات مرمتی که از آن تعبیر به "آناستیلوز" میشود. توضیحات ماده ی ۴ قطعنامه ی جهانی مرمت ابنیه ی تاریخی (مصوب آتن - ۱۹۳۱ میلادی):

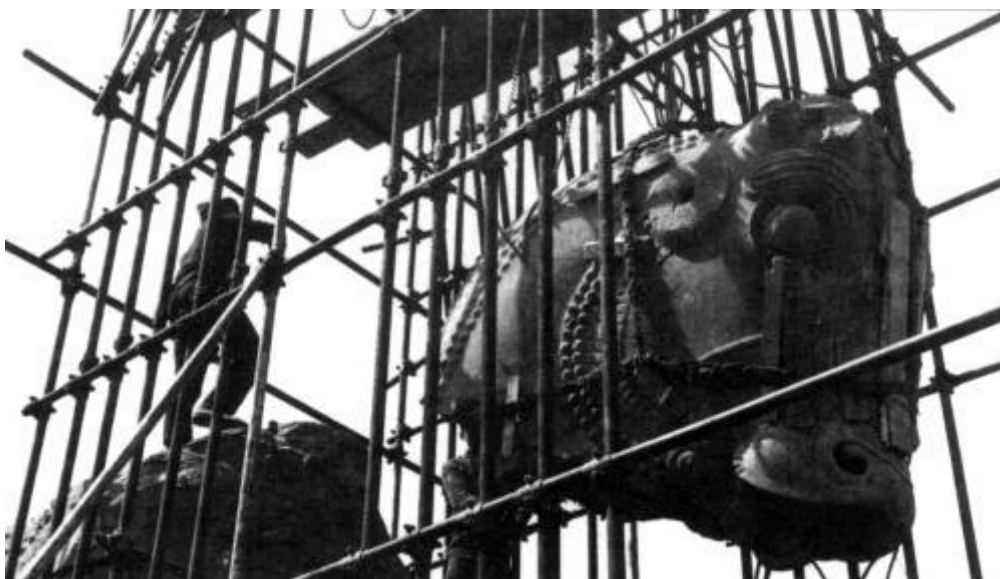
«"آناستیلوز" به معنی قرار دادن مجدد تکه ها و یا عناصر بدست آمده از بناست. در جریان ترکیب یا نصب مجدد عناصر ساختمانی قسمتهای تخریب شده (عناصری که اغلب میتوانند در بناهای دیگر نیز به کار رفته باشند)، گاهی اتفاق می افتد که بین چند عنصر ساختمانی، فقدان یک بخش به چشم می آید. در اینصورت مرمتگر برای بازسازی کلی و سرپا کردن اثر، به ساختن آن اقدام می ورزد. اما باید اینکار (بازسازی بخش مفقوده) را طوری انجام دهد که بیننده بتواند با یک نگاه ابتدایی، قسمتهای نو را از کهنه تشخیص و تمییز دهد. به عبارتی اگر عضوی به بنا اضافه

میشود با مصالح و شیوه‌ی مشخصی اینکار عملی گردد تا از قسمتِ اصیل تفکیک شود.»



تصویر ۵: ترمیم یک ستون به شیوه‌ی "آناستیلوز" (ترکیب سنگهایِ اصیل با سنگهایِ مرمتیِ نو جهت کامل کردنِ هیئت و برافراشتنِ ستون) توسطِ مرمتگرانِ "ایزمئو" در تختِ جمشید

مأخذِ عکس: گزارشهایِ "جوزپه تیلیا"



تصویر ۶: تلاشِ مرمتگرانِ "ایزمئو" برای برافراشتنِ گاوِ غول پیکرِ سنگی در رواقِ تالارِ صد ستونِ تختِ جمشید

مأخذِ عکس: گزارشهایِ "جوزپه تیلیا"

و این کلامِ حکیم فردوسی که:

بزرگش نخوانند اهل خرد/ که نام بزرگان به زشتی برد

نگارنده در ادامه ی گفتار پیشین خود در نقد نوشتار «تاریخ سازی جریان انحرافی از موضوعی انحرافی به نام تخت جمشید»، نگاهی کوتاه به دیگر نوشته ی پرداخته ی آن کارگاه با عنوان «پاسارگاد، ساخته ی یهودیان یا ایرانیان؟» به قلم "فضل الله موحد" دارد:

آقای "فضل الله موحد" در مقدمه ی این نوشتار خود چنین آورده اند که: «... این جنایت فرهنگی به وسیله ی یک مورخ غربی یهودی به نام «دیوید آستروناخ» انجام شده است. آستروناخ در فاصله ی سال های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳ در مجموعه ی پاسارگاد کاخ هایی ساخت و آن ها را به کوروش هخامنشی در ۲۵۰۰ سال پیش نسبت داد تا به این شخصیت مورد علاقه ی یهودیان هویت تاریخی مادی و قابل اثبات بخشد.»

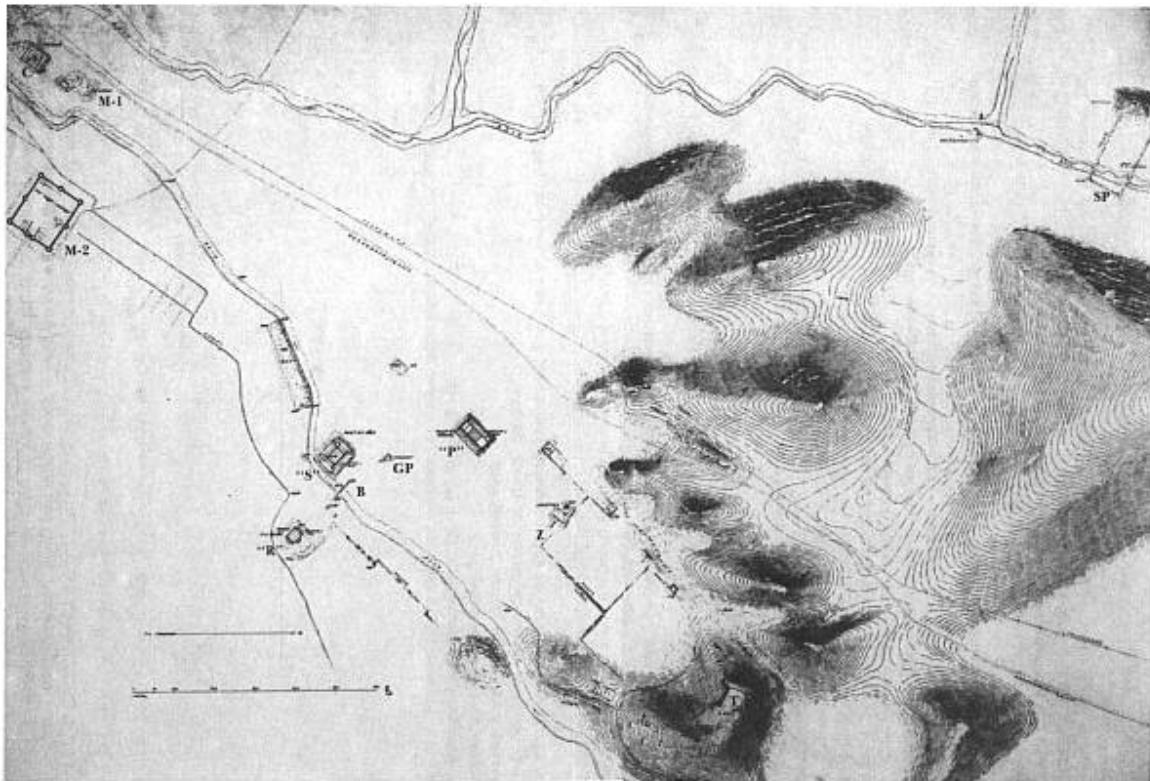


تصویر بالا: محوطه ی "پاسارگاد" و موقعیت دو کاخ S و P نسبت به آرامگاه کوروش و بنای افرشته ی "زندان سلیمان"

مأخذ: <http://www.livius.org/pan-paz/pasargadae/pasargadae.htm>

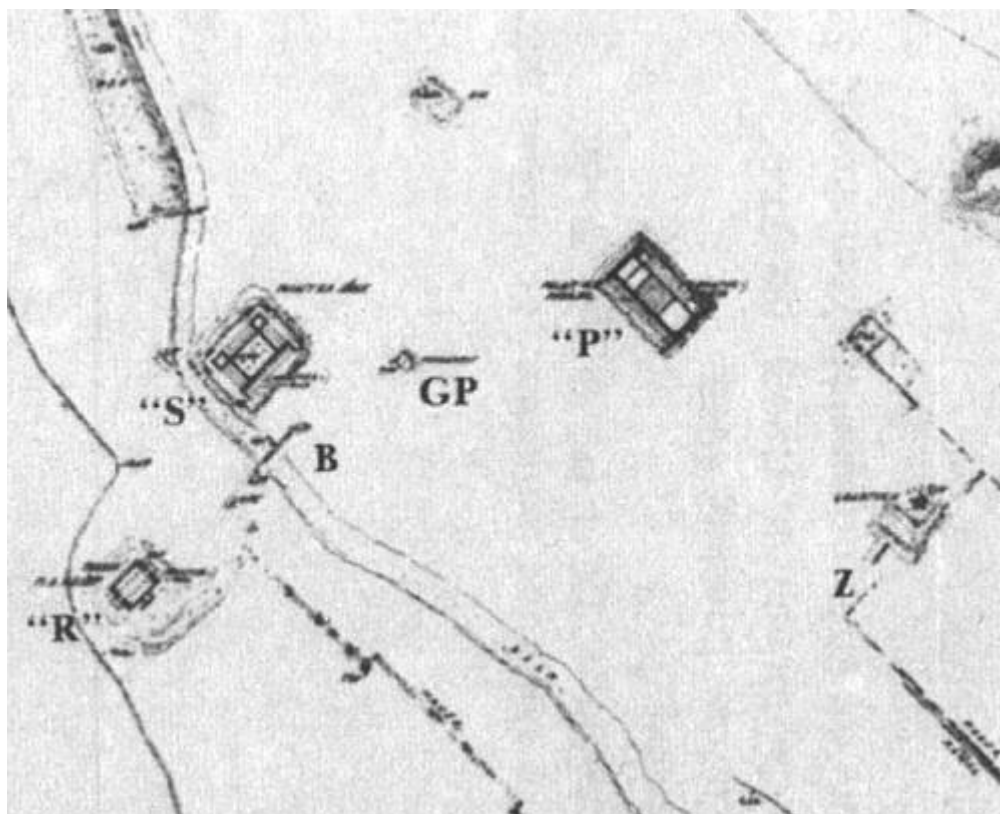
"دیوید استروناخ"، باستانشناس بریتانیایی، در سال ۱۳۴۰ (۱۹۶۱ م.) حفاری های گسترده ای را در "پاسارگاد" آغاز نمود. ولی پیش از او "ارنست هرتسفلد"، باستانشناس آلمانی، به همراه دستیار معمار خود "فریدریش کفتر" در سال ۱۳۰۷ (۱۹۲۸ م.) حفاری پاسارگاد را آغازیده بودند و با گمانه زنی های خود موفق شده بودند نقشه ی کف دو کاخ اصلی و دروازه ی شرقی را تعیین کنند. آنها همچنین شماری ستون و نقش برجسته را از زیر خاک بیرون آوردند. در سال ۱۳۲۸ (۱۹۴۹ م.) "علی سامی" تحت نظر اداره کل باستانشناسی ایران ادامه ی کار را در "پاسارگاد" بر عهده گرفت و دیوارهایی کنار کاخها جهت حفاظت بناها در برابر تجاوز کشاورزان و مردم کشید ...

با این توضیحات، عنوانی که آقای "موحد" با تحکم به "استروناخ" نسبت میدهد: «آستروناخ به عنوان کسی که کار پلیید و گناه نابخشودنی ساخت جاعلانهی پاسارگاد را انجام داد...» عنوانی است که او به واقع کسب نکرده است.



تصویر ۲۴. طرح و نقشه فریدریش کوئر از بازارگاد (برگرفته از ارنست هرتسفلد، ایران در شرق باستان، لندن، آکسفورد، ۱۹۴۱، PI, XLII). کوئیکسی که داوید استروناخ کشف کرد روی نقشه با علامت Fundament مشخص شده است، و نزدیک تالار بار عام پلی پیدا شد که زمانی نهری از زیر آن می‌گذشته است.

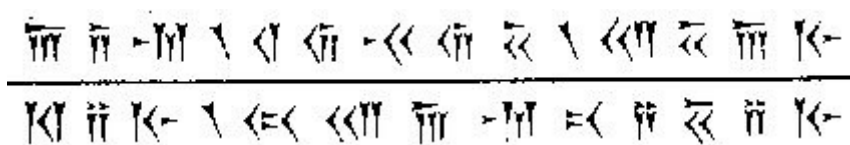
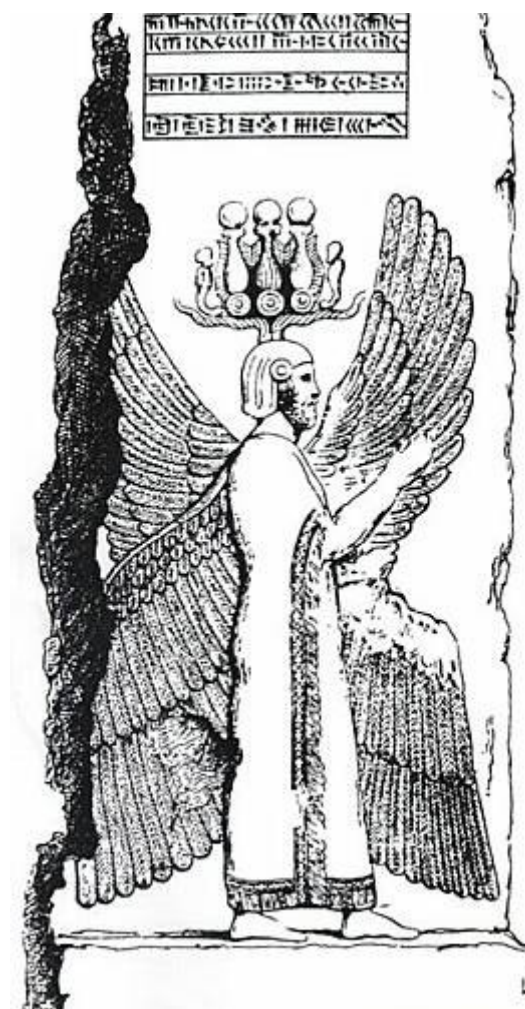
C قبر کوئوش؛ M-1 مسجد قرن هفتم هجری؛ M-2 مدرسه قرن هشتم هجری؛ "R" ساختمان روی دروازه با نقش برجسته فرشته دارای چهار بال؛ "S" تالار بار عام؛ "P" کاخ مسکونی؛ B پالا؛ GP کوئیک یاغی؛ Z زندان سلیمان، برج؛ T تل تخته ارگ (هرتسفلد آن را شناخته ولی حفاری نکرده است)؛ SP محوطه مقدس (هرتسفلد آن را شناخته ولی کاملاً بررسی نکرده است).



تصاویر بالا: طرح و نقشه ای که "هرتسفلد" و "کرفت" از سایت پلان "پاسارگاد" و موقعیت دو کاخ S و P ارائه داده اند و در سال ۱۹۴۱ میلادی -بسیار پیشتر از کاوشهای "استروناخ" - در کتاب "ایران در شرق باستان" به طبع رسیده است.

مأخذ تصاویر: پورادا، ادیث. هنر هخامنشی

آقای "موحد" سپس به سرزنش محققینی پرداخته اند که نقش ساختمان "دروازه" ی پاسارگاد را تصویر "کوژش" معرفی کرده اند. نگارنده نیز آهنگ همراهی با این دسته محققین را ندارد، فقط توجه ایشان را به این نکته جلب میکند که هرچند در وضعیت فعلی هیچ نوشته ای معرّف این نقش نیست، ولی به گواهی نگاره های کهن، از جمله نگاره ی آبرنگ "رابرت کریپوتر"، سیّاح و دیپلمات بریتانیایی، در سال ۱۸۱۸ میلادی، یکی از نبشته های متعدد سه زبانه (پارسی باستان، ایلامی، و بابلی) که در عهد "داریوش" در بناهای "پاسارگاد" نویسانده شده بود، بالای این نقش بوده است؛ با این کلام استوار: «من، کوژش، شاه، هخامنشی»



تصاویر بالا: طراحی "کریپوتر" از نقش ساختمان "دروازه" ی پاسارگاد که نشان می دهد کتیبه ی سه زبانه ای با نام "کورش" بالای آن بوده است. این کتیبه امروزه موجود نیست و آن را کرده و برده اند!

مأخذ تصویر: <http://www.artarena.force9.co.uk/cyrus1.htm>



تصویر بالا: روی چین لباس این نقش در کاخ اختصاصی کورش (کاخ P) در سمت چپ به خط میخی ایلامی و در سمت راست به بابلی نوشته شده است: «کورش، شاه بزرگ، هخامنشی» پژوهشگران این نبشته را تنها نبشته ای می دانند که به فرمان کورش در پاسارگاد نقر شده است و باقی نبشته ها را که دربردارنده ی نام "کورش" است به فرمان و امر "داریوش" میدانند.

مأخذ تصویر: http://www.livius.org/pan-paz/pasargadae/pasargadae_palace_p.html

نگاره ی دیگری که "کرپوتر" در همان زمان از آرامگاه "کورُش" در دشت "پاسارگاد" ارائه داده، بنای دیگری را در پس زمینه با یک ستون برافراشته و سه ستون فرو ریخته نشان میدهد که به احتمال، تالار بار عام (کاخ S) می باشد. پس اینکه آقای "موحد" ذیل توضیحات تصاویر ۱۴ و ۱۷ نوشتارشان، فرموده اند: « این تصویر، کاخ موسوم به S را نشان می دهد که به کاخ بارعام معروف است. در این جا نیز با ریختن تعدادی قلمه ستون برای کوروش کاخی دیگر ساخته اند.» «این تنها ستون باقی مانده که ذکر آن گذشت در رسامی های قدیمی در نزدیکی تخت جمشید دیده می شود و آستروناخ در کاخ S به کار برده است.» اشتباه می باشد.



تصویر بالا: طراحی "کرپوتر" از آرامگاه کورش در دشت پاسارگاد (سال ۱۸۱۸ م.) که در پس زمینه بقایای کاخ بارعام (کاخ S) هویدا است.

مأخذ تصویر: The British Library / Heritage-Images

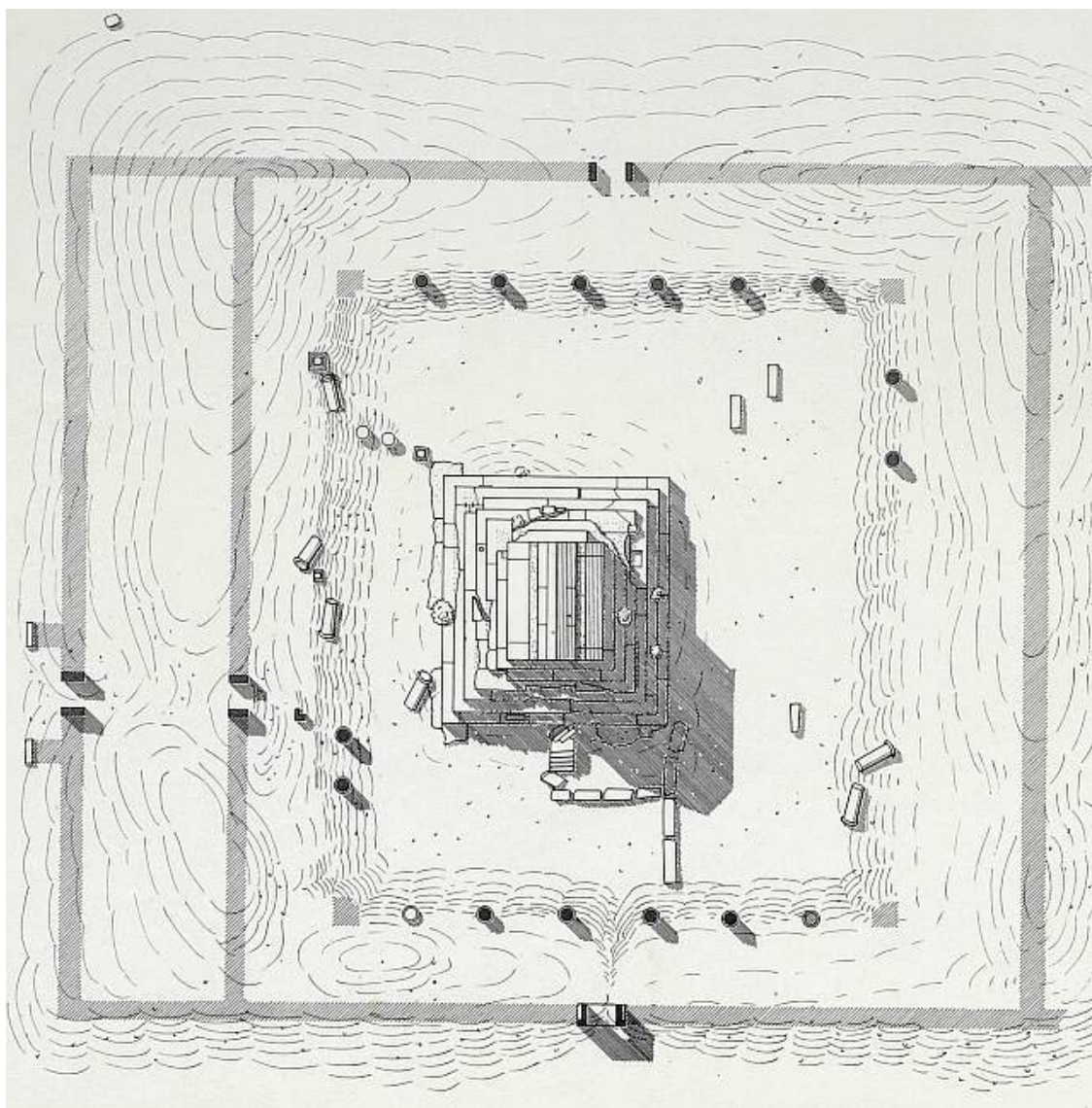
آقای "موحد" ذیل توضیحات تصاویر ۱۵ و ۱۶ نوشتارشان مدعی شده اند که ستون ها و مصالح یک بنای یونانی مجاور "تخت جمشید" توسط "استروناخ" خرج ساخت کاخ های "پاسارگاد" شده است؛ همینطور ذیل توضیحات تصاویر ۶ تا ۱۱، نارضایتی خود را از برافراشته شدن ستونهای کاخ اختصاصی کورش (کاخ P) توسط "استروناخ" یهودی ابراز نموده اند؟! نگارنده در پاسخ، به ایشان آگاهی میدهد که بنا به گزارشهای موجود، این ستون ها تحت نظر اداره کل باستانشناسی ایران (توسط کارشناسان مؤسسه ی ایتالیایی شرق میانه و دور-ایزمئو) نزدیک به سال ۱۹۷۱ میلادی (۱۳۵۰ شمسی) به مناسبت جشن های ۲۵۰۰ ساله ی شاهنشاهی از همان محوطه ی "پاسارگاد" (اطراف آرامگاه کورش) جمع آوری و برپا شده اند و "استروناخ" در این میان نقش چندانی نداشته است. گزارش "علی سامی" در اینخصوص خواندنی ست:

« در اطراف آرامگاه کوروش با فواصل نامنظمی (۱۰ و ۱۲ متر) به طور متفاوت و بدون رعایت جهات و نکات معماری و مهندسی در ادوار اسلامی ستونهایی گذارده و آنجا را بصورت مسجدی درآورده اند. این مسجد در زمان فرمانروایی اتابک سعد ابن زنگی (از اتابکان فارس یا سلغیان) در سده ی ۷ قمری برپا شد. سنگ های ستونی این مسجد را از دو قصر کوروش آورده اند بدین معنی که ستون های ایوان شرقی و غربی را با ستون های قطور "قصر بار" (کاخ S) و ستون های ایوان شمالی را با ستون های باریک "قصر اختصاصی کوروش" (کاخ P) ساخته اند... » (برای آگاهی بیشتر، نک: پایگاه اطلاع رسانی مجموعه میراث جهانی پاسارگاد)



تصویر بالا: طرحی از آرامگاه کورش در سال ۱۶۳۸ میلادی. و ستونهایی که از محل کاخ های دشت پاسارگاد برداشته و به دور آن چیده اند. اثر "آلبرشت فون ماندلسو"

مأخذ تصویر: وب سایت اختصاصی دکتر "کاوه فرخ"



تصویر بالا: طرحی از آرامگاه کورش از بالا، که موقعیت و پراکندگی ستون‌های سنگی چیده شده در دوردورش را نشان می‌دهد.

مأخذ تصویر: هرتسفلد - ایران در شرق باستان

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «پاسخ به گزاف‌گویی‌ها پیرامون تخت جمشید و پاسارگاد»، پارسیان دژ، ۱۳۹۵.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1876/pdf/پاسخ-به-گزاف-گویی-ها-پیرامون-تخت-جمشید-و-پاسارگاد.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵

